

تأثیر برگزیت بر سه اصل کلیدی در سیاست خارجی بریتانیا

محمد رضا سعیدآبادی^{۱*}، سام محمدپور^۲

^۱ دانشیار، مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری، مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

چکیده

همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ در بریتانیا، خروج این پادشاهی از اتحادیه اروپا را رقم زد؛ که در ادبیات سیاسی با عنوان برگزیت شناخته می‌شود. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که برگزیت تأثیر چشمگیری بر اصول کلی سیاست خارجی بریتانیا و همچنین معادلات قدرت در اروپا و جهان خواهد داشت. با توجه به اهمیت این پدیده، در این نوشتار با تبیین مواضع دو حزب اصلی این پادشاهی در مورد سه اصل تأثیرگذار در سیاستگذاری خارجی بریتانیا (رابطه ویژه با ایالات متحده، مسئولیت حمایت، و چندجانبه‌گرایی) و با بهره‌گیری از نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، تأثیر برگزیت بر این اصول تجزیه و تحلیل خواهد شد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه برگزیت بر این سه اصل مهم در سیاست خارجی بریتانیا تأثیر خواهد گذاشت؟ در فرضیه بیان می‌شود که در سیاست خارجی این کشور، برگزیت به حفظ و استمرار رابطه ویژه امریکا-بریتانیا کمک خواهد کرد، در حوزه اصل مسئولیت حمایت، برگزیت فضای محدودتری را برای استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی بریتانیا ایجاد خواهد کرد، و در زمینه اصل چندجانبه‌گرایی، سبب خواهد شد که بریتانیا به دنبال ائتلاف‌هایی باشد که برخلاف اتحادیه اروپا، نهاد حاکمیت و استقلال سیاست خارجی این پادشاهی را تضعیف نکند. انجام این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش موردپژوهی چندگانه، به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌هایی که برگزیت برای اصول کلیدی سیاست خارجی بریتانیا به ارمغان آورده است، کمک می‌کند تا تصویری مناسب از رفتار سیاست خارجی این پادشاهی در دوران پساب‌گزیت ترسیم شود.

واژه‌های کلیدی: برگزیت، رابطه ویژه بریتانیا-امریکا، مسئولیت حمایت، چندجانبه‌گرایی، اتحادیه اروپا

* نویسنده مسئول، رایانامه: sabadi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۲۳ اسفند ۱۴۰۰

۱. مقدمه

فرایند تصمیم‌سازی در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و تأثیرگذار در عرصه نظام بین‌الملل، از دیرباز موضوع مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران حوزه سیاست بین‌الملل بوده است. در میان قدرت‌های بزرگ، بریتانیا، به دلیل موقعیت، نفوذ و قدرت تأثیرگذاری در نظام بین‌الملل، از کشورهایی است که پژوهشگران را به مطالعه درباره ابعاد مختلف حیات سیاسی این کشور تشویق کرده است. بریتانیا به‌عنوان یکی از قدرت‌های اصلی در اروپا، با ادغام تمام‌عیار در اتحادی از کشورهای هم‌قاره‌اش بی‌میل بوده و همواره مخالفت خود را نسبت به عمق بخشیدن به ائتلاف‌های اروپایی، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم نشان داده است. در چارچوب اتحادیه اروپا، بریتانیا همواره سیاست خود را بر اصلاح اتحادیه پایه‌گذاری کرده و در بزنگاه‌های تاریخی، مخالفت خود را با تبدیل شدن این اتحادیه به فدراسیون نشان داده است؛ تا جایی که برخی پژوهشگران دلیل پیوستن بریتانیا به اتحادیه اروپا را تنها بهره‌مند شدن از منافع اقتصادی آن می‌دانند.

با همه‌پرسی سوم تیر ۱۳۹۵ مردم بریتانیا، برگزیت به کلیدواژه‌ای اصلی در محافل سیاسی بین‌الملل تبدیل شده است؛ همه‌پرسی‌ای که می‌توان آن را از منظر امنیت هستی‌شناختی، پویایی از سوی مردم و سیاستمدارانی دانست که هیچ‌گاه حاضر نبودند کشورشان را که روزی در مرکز سیاست جهانی بوده، در ائتلاف با ۲۷ کشور کوچک و بزرگ دیگر ببینند. با اینکه بسیاری باور دارند اتحادیه اروپا، به‌ویژه در مسائل حیاتی، از سیاست خارجی مشترکی برخوردار نیست، اما برای بریتانیایی‌ها این اتحادیه همچون فدراسیونی است که حاکمیت و سیاست خارجی بریتانیا را در خود ادغام کرده و سبب شده است این کشور اختیاری برای اعمال حاکمیت و اتخاذ سیاست خارجی مستقل نداشته باشد. با وجود این برگزیت نیز تردیدهای فراوانی درباره آینده بریتانیا به وجود آورده است و با توجه به وضعیت ویژه این پدیده، به‌طور احتمالی چشم‌اندازهای سیاسی، فرصت‌های تصمیم‌گیری و تأثیر آن بر سیاست خارجی بریتانیا متفاوت و متنوع خواهد بود. بنابراین، نیم‌قرن عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا و اکنون خروج این کشور از آن، تردیدهایی را درباره سیاست خارجی این کشور در دوران پسابزرگزیت ایجاد کرده است. در این زمینه تغییر و دگرگونی در سه اصل مهم در سیاست خارجی بریتانیا یعنی رابطه ویژه با ایالات متحده^۱، مسئولیت حمایت^۲ و چندجانبه‌گرایی^۳، از جمله ابهام‌هایی است که در دوران پسابزرگزیت، ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است.

-
1. Anglo-American Special Relationship
 2. Responsibility to protect
 3. Liberal interventionism

با بهره‌گیری از روش موردپژوهی چندگانه در این پژوهش تلاش می‌شود به‌صورت ژرف و جزئی‌نگر به مطالعه و بررسی موردی این سه اصل مهم پرداخته شود؛ و به‌تفکیک، تأثیر برگزیت بر هریک از آنها مطالعه شود. بنابراین، مطالعه هریک از این سه اصل، در دو بخش اصلی سازماندهی شده است؛ بخش نخست بر معرفی هریک از اصول تأثیرگذار بر سیاست خارجی بریتانیا متمرکز شده است و در بخش دوم تأثیر برگزیت بر آن مطالعه و بررسی می‌شود. به بیان دقیق‌تر، هدف پژوهش ابتدا مطالعه و تبیین سه اصل ذکرشده در سیاست خارجی دو حزب محافظه‌کار و کارگر و رویکرد هر حزب در قبال این سه اصل است. در ادامه، تأثیر برگزیت بر این اصول کلیدی در سیاست خارجی بریتانیا تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۲. چارچوب نظری: امنیت هستی‌شناختی

نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل اغلب بر این فرض استوار است که پندار دولت‌ها از «خود» براساس یک روایت (اتوبیوگرافی)^۱ (روایت خودنوشت) غالب استوار است؛ روایتی که از تجربه‌های تاریخی «خود» بهره می‌برد تا در زمان افزایش ناامنی هستی‌شناختی، «داستان‌های تسلی‌بخش» فراهم آورند (Kinnvall, 2004: 755). این داستان‌ها و روایت‌های خودنوشت به حل برخی نگرانی‌های وجودی در مورد شاخص‌های اساسی زندگی درباره «بودن»، «خود» در مقابل دیگران و «هویت» کمک می‌کند. بر این اساس و در مورد رابطه ویژه بریتانیا-امریکایی، مفاهیمی مانند «آنگلوساکسونیسم» و «انگلیسی بودن»^۲ به روایت‌های قدرتمندی تبدیل شده‌اند که در طول تاریخ به استحکام روابط میان بریتانیا و ایالات متحده کمک کرده‌اند. در بحث مسئولیت حمایت، هر دو حزب مهم بریتانیا و به‌ویژه محافظه‌کاران این اصل را تأیید می‌کنند. یکی از روایت‌های اصلی رایج در میان سیاستمداران بریتانیا، «گذشته شکوهمند» این پادشاهی در دفاع از ارزش‌های دموکراتیک بوده است و در همین زمینه، خود را برای ترویج آزادی‌های بشری، دموکراسی و مبارزه با تروریسم متعهد می‌دانند؛ چیزی که «مداخله‌گرایی لیبرال» نامیده شده است. از ویژگی‌های برجسته سیاست خارجی بریتانیا در طول سده‌های متمادی، استقلال سیاست خارجی این پادشاهی بوده است. با گسترش روزافزون اتحادیه اروپا و تعمیق همگرایی در آن، استقلال سیاست خارجی بریتانیا به‌عنوان یک روایت خودنوشت غالب مورد تهدید قرار گرفته است. با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، نیاز این پادشاهی به یک نظام چندجانبه کارآمد ناگزیر وجود دارد؛ وضعیتی که به‌ویژه با وجود قدرت‌های نوظهور، می‌تواند علت وجودی خود را بازتعریف کند و سیاستمداران بریتانیایی را

1. Autobiographical narrative

2. Englishness

قادر سازد تا روایت‌های جایگزینی ایجاد کنند تا رفتارها و اقدام‌های آنها در قالب آن توجیه‌پذیر باشد.

۳. رابطه ویژه بریتانیا-امریکا

در ۱۳۲۵، وینستون چرچیل^۱ در سخنرانی مشهور خود در دانشگاه وست مینستر^۲، اصطلاح رابطه ویژه را ابداع و معرفی کرد. سخنرانی چرچیل به‌راستی هشدار بود مبنی بر شکل‌گیری پرده‌ای آهنین که اروپای شرقی را زیر تسلط اتحاد جماهیر شوروی قرار می‌داد. در همین زمینه، وی خواستار برقراری روابطی ویژه با امریکا به‌منظور دفاع از آن چیزی شد که آن را جهان آزاد می‌نامید. از آن پس رابطه ویژه دو کشور، شکلی مقدس‌گونه به خود گرفت (Smout, 2018). رابطه ویژه بریتانیا و ایالات متحده در هسته اصلی سیاست خارجی بریتانیا (و نه امریکا) قرار دارد. در میان دو حزب اصلی در بریتانیا، رابطه ویژه برای محافظه‌کاران اهمیت بیشتری دارد؛ در واقع این اهمیت به‌حدی است که آنها از رابطه خود با ایالات متحده برای ایستادگی در برابر پیدایش ابرقدرت جدید یعنی اتحادیه اروپا استفاده می‌کنند. به‌عبارت دیگر، برای حزب محافظه‌کار بریتانیا، عمیق‌تر شدن سیاست‌های مشترک دفاعی، سیاسی و امنیتی اروپایی، به‌طور مستقیم منافع دو کشور بریتانیا و امریکا را تهدید می‌کند. همین مسئله، تردید همیشگی رهبران این حزب در رابطه با اروپامحوری را توضیح می‌دهد؛ تردیدی که این رهبران هر زمان که در قدرت بوده‌اند، آن را ابراز کرده‌اند. برای نمونه، محافظه‌کاران در ۱۳۸۶ با پیمان لیسبون^۳ مخالفت کردند و در نهایت تصمیم به برگزاری همه‌پرسی درباره آن گرفتند. آنها با پیوستن بریتانیا به واحد پولی مشترک اروپا نیز مخالفت کردند و همواره از مدافعان اختیار دولت درباره نظارت همه‌جانبه بر قوانین اجتماعی داخلی بوده‌اند. افزون‌بر تمام این مسائل، حزب محافظه‌کار، قانون اتحادیه اروپا^۴ را به تصویب رساند که به موجب آن امضای هر معاهده در چارچوب اتحادیه اروپا که در آن امکان انتقال حاکمیت از بریتانیا به اتحادیه اروپا وجود داشته باشد یا به هر نحوی حاکمیت بریتانیا بر سرزمین خود را تضعیف کند، نیازمند برگزاری همه‌پرسی و موافقت مردم این کشور است.

به راستی باید گفت که محافظه‌کاران بریتانیا، رابطه خود با ایالات متحده را بیشتر از اروپا متقابل و انعطاف‌پذیر می‌دانند. چنین مسائلی سبب می‌شود که عضویت در اروپا برای حزب محافظه‌کار به‌منزله یک نقطه‌ضعف در نظر گرفته شود، زیرا به باور آنها این حضور در خدمت

1. Winston Churchill

2. University of Westminster

۳. پیمان لیسبون در ۲۲ آذرماه ۱۳۸۶ امضا شد و براساس آن فعالیت‌های اتحادیه اروپا تغییر خواهد کرد.

4. European Union Act

منافع اتحادیه است تا منافع ملی (Watts & Pilkington, 2005: 219). در سال‌های اخیر شک و تردید محافظه‌کاران در زمینه اتحادیه اروپا پررنگ‌تر از گذشته شده است. دیوید کامرون نمونه‌ای از این شک و تردید مضاعف است. اگرچه کامرون امیدوار بود مردم کشورش به ادامه عضویت در اتحادیه اروپا رأی دهند، وی نخستین کسی بود که در ۱۳۹۲ ایده برگزاری همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه را مطرح کرد و در ۱۳۹۵ آن را به اجرا گذاشت (Mason, 2014). حزب کارگر در مقایسه با رقیب خود، در مجموع تمایل کمتری به برقراری رابطه ویژه با ایالات متحده از خود نشان داده است. از نظر تاریخی، رهبران حزب کارگر در دهه ۱۹۸۰ باور داشتند که رابطه بسیار نزدیک با امریکا می‌تواند تأثیر منفی بر استقلال سیاست خارجی بریتانیا داشته باشد. برای نمونه تونی بن^۱، از برجسته‌ترین چهره‌های حزب کارگر در آن دوران اظهار می‌دارد: «وابستگی لندن به واشنگتن برای تهیه سلاح‌های هسته‌ای، تمام آن چیزی است که از رابطه ویژه باقی مانده است. این مسئله همانند غل و زنجیری است که ظرفیت‌های ما را برای ایفای نقش مثبت‌تر در جهان محدود می‌کند» (Jones, 1997: 252). بنابر همین دیدگاه بود که در کنفرانس سالانه حزب کارگر در آن دهه، اعضای این حزب توانستند از سیاست نزدیکی بیش از حد به امریکا فاصله بگیرند. بنابراین می‌توان گفت که حزب کارگر در مجموع بیشتر به تقویت روابط با اتحادیه اروپا علاقه‌مند بوده است تا رابطه ویژه با ایالات متحده.

در ۱۳۷۶، تونی بلر^۲ با امضای «فصل اجتماعی اتحادیه اروپا»^۳ تصمیم پیشین رقبای محافظه‌کار خود مبنی بر دوری از سیاست اجتماعی اروپا را خنثی کرد. با این حال، به‌جرات می‌توان گفت که عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا در زمان حزب کارگر از موضع مشخصی برخوردار نبوده است. برای نمونه، دولت تونی بلر در ۱۳۸۰ از پیوستن به واحد پولی یورو پشتیبانی می‌کرد، اما در عمل شرایط زیادی برای این مسئله در نظر گرفته بود، بنابراین هیچ‌گاه این اتفاق رخ نداد. با تمام این تفاسیر، با مطالعه تاریخ احزاب در بریتانیا، به این نتیجه می‌رسیم که با آغاز سیاست «راه سوم»^۴ بلر، شک و تردید حزب کارگر در مورد رابطه ویژه با ایالات متحده به سرعت از بین رفت، و راهی نو در این مسیر گشوده شد. دیدگاه تونی بلر در مورد نقش بریتانیا در صحنه جهانی این بود که اروپا بیش از نیاز امریکا به این قاره، محتاج ایالات متحده است. با توجه به این منطق، سیاست خارجی دولت بلر، بریتانیا باید به‌عنوان «پلی» بین ایالات متحده و اروپا عمل کند (Guardian, 2003). در همین زمینه بلر با وجود همکاری بسیار نزدیک با واشنگتن، همزمان به ادغام در اروپا نیز متعهد بود تا نقش واسطه و میانجی برای

-
1. Tony Benn
 2. Tony Blair
 3. EU's Social chapter
 4. The third way

کشورش را تثبیت و تقویت کند. درباره اصطلاح «بریتانیا: پل میان امریکا و اروپا»، نیز باید این نکته را در نظر گرفت که بلر در پی این بود که این پل در سمت ایالات متحده عریض‌تر از اروپا باشد و این رویکرد به سه شکاف اساسی باز می‌گشت: ۱. شکاف واقعیت؛ بلر کاهش نفوذ بریتانیا به‌عنوان یک متحد ایالات متحده را انکار می‌کرد؛ ۲. شکاف اعتماد؛ وی اعتماد عمومی خود را به‌دلیل ارائه اطلاعات جعلی در مورد جنگ عراق، از دست داده بود؛ ۳. شکاف دوستی؛ وی به‌دلیل مواضع به‌طور کامل متفاوت درباره عراق، از حلقه دوستان اروپایی خود به‌ویژه شیراک (فرانسه) و شرودر (آلمان) کنار رفته بود (Danchev & MacMillan, 2005: 60). با این حال، در همین دوران نیز شاهد تناقضی در رابطه با امریکا بوده‌ایم. به‌راستی، نزدیکی بیش از حد لندن به واشنگتن که دولت بلر بانی آن بود، تأثیر متناقضی از خود به‌جای گذاشته بود، و سبب شک و تردید درباره اصل رابطه ویژه شد. برای نمونه، باراک اوباما در نخستین سخنرانی اصلی خود به‌عنوان رئیس‌جمهور، حتی یک بار نیز به بریتانیا اشاره‌ای نکرد. در ادامه همین وضعیت، سال‌های نخست‌وزیری گوردون براون به‌عنوان یکی از منفعل‌ترین دوره‌ها در رابطه ویژه میان دو کشور تلقی می‌شود.

در دولت دیوید کامرون نیز اگرچه رابطه ویژه در دوره تصدی وی احیا شد، همزمان آتلانتیک‌گرایی کمتری دیده می‌شود. در واقع، این مسئله به دخالت فاجعه‌آمیز این کشور در جنگ عراق باز می‌گردد که نفوذ جهانی بریتانیا را در سطح جهان تضعیف کرده بود. به‌دلیل فشار افکار عمومی، دیوید کامرون نمی‌توانست اجازه دهد بریتانیا جنگ نابخردانه دیگری را در کنار ایالات متحده امریکا انجام دهد. به همین سبب در این دوران، اگر حزب محافظه‌کار به‌دنبال استفاده از ابزار نظامی بود، مانند آنچه در لیبی علیه قذافی و علیه داعش در عراق انجام گرفت، باید در ابتدا افکار عمومی این کشور را راضی کرده و به‌تبع آن اجازه پارلمان را دریافت می‌کرد (BBC, 2014). این نوع مداخله‌ها در زمان روی کار بودن حزب محافظه‌کار را می‌توان بر این اساس توضیح داد که کشور بر اساس اصول حزب باید در پی حمایت از آزادی و دموکراسی در جهان باشد؛ البته به همین دلیل آنها مسئولیت محافظت از غیرنظامیان لیبی در برابر حمله‌های قذافی را به‌عهده گرفتند.

۳.۱. تأثیر برگزیت بر اصل رابطه ویژه

ظرفیت استفاده از رابطه ویژه برای تحمل فضای بی‌اطمینانی ناشی از تصمیم بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا، به میل و توانایی این کشور برای برطرف کردن شک و تردیدهای ایالات متحده بستگی دارد؛ شک و تردید درباره تعهد بریتانیا در روابط خود با سایر کشورها که با برگزیت تقویت شده است. در عین حال، فشارها بر دولت بریتانیا در کنار انگیزه‌های این

کشور برای تقویت روابط با امریکا نیز تا حدودی متناقض است؛ از یک سو، دلبستگی شدید این کشور به تجارت آزاد با ایالات متحده و همچنین اتکای آن به روابط با امریکا برای مقابله با کاهش نفوذ بریتانیا در عرصه بین‌المللی، همگی حاکی از تلاش‌های بریتانیا برای تقویت «ویژه بودن» روابط بریتانیا و ایالات متحده است (Bew & Elefteriu 2016: 5).

با توجه به محبوبیت شکننده دونالد ترامپ و انتقادهای برخی از سیاست‌های بحث‌برانگیز و ملی‌گرایانه وی مانند مهاجرت و خارج شدن از برخی معاهده‌ها و توافقنامه‌ها، این دیدگاه در بریتانیا وجود دارد که نزدیک شدن بیش از حد به ایالات متحده، هزینه‌های سیاسی داخلی زیادی را بر دولت بریتانیا تحمیل خواهد کرد. شاید به همین دلیل در جریان سفر رئیس‌جمهور ترامپ به بریتانیا در ۱۳۹۸، مخالفت‌های گسترده‌ای در محافل سیاسی بریتانیا علیه این سفر شکل گرفت (Mason, 2017). افزون بر این، فضای سیاسی داخلی دولت بریتانیا در پی ارائه تصویری نامناسب از این کشور (همچون عروسک خیمه‌شب‌بازی) در رابطه با امریکا نیست و به‌راستی در صحنه سیاسی بریتانیا، تلاش‌هایی برای جلوگیری از اتهام وابسته بودن به ایالات متحده انجام می‌گیرد (Azubuike, 2005: 129). همچنین، اولویت دادن به نزدیکی هرچه بیشتر با امریکا ممکن است با تلاش‌های دولت بریتانیا برای دستیابی به روابط اقتصادی و دیپلماتیک با قدرت‌های نوظهور در تضاد باشد؛ همین مسئله خود نیز در مغایرت با منافع امنیتی امریکا قرار می‌گیرد (Oliver & Williams, 2016: 555).

با وجود این، انگیزه‌ها و فشارهایی که در بریتانیای پس از برگزیت برای نزدیکی بیش از پیش به ایالات متحده وجود دارد، بسیار قوی و پیچیده است؛ هرچند با تناقض‌هایی همراه است. در همین زمینه انتظار می‌رود که دولت بریتانیا، نزدیکی و استمرار روابط با ایالات متحده را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهد و در پی راهکارهایی باشد تا «ویژه بودن» این روابط را بیش از پیش در عرصه داخلی و بین‌المللی، توجیه، تثبیت و تقویت کند. تجزیه و تحلیل زیر به بررسی دو عامل مهم در باره هدف دولت بریتانیا در حفظ و استمرار رابطه ویژه با ایالات متحده می‌پردازد و بر این مسئله تأکید می‌کند که حفظ و تقویت این رابطه در بریتانیای پس از برگزیت و امریکای ترامپ، با رعایت این دو اصل، بسیار محتمل خواهد بود: ۱. تضمین‌های متقابل دو کشور درباره رابطه ویژه؛ ۲. تأیید و پذیرش مضاعف نقش کم‌رنگ‌تر بریتانیا نسبت به ایالات متحده.

۳.۱.۱. تضمین‌های متقابل دو کشور درباره رابطه ویژه

اولویت دولت بریتانیا در ایجاد رابطه ویژه، مقابله با روایتی نوظهور از بریتانیا بوده که همواره در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم وجود داشته و این کشور را بازیگری فرعی در صحنه روابط بین‌الملل معرفی کرده است. در کنار این مسئله، بریتانیا باید تلاش کند تا اطمینان خاطر

ایالات متحده از دل‌بستگی خود به رابطه ویژه را حفظ کند (Whitman, 2016: 523-528). برای رسیدن به این هدف، دولت‌های مختلف در سال‌های اخیر، به‌ویژه در گروه محافظه‌کاران، مشغول شکل‌دهی به گفتمان پایدار درباره بریتانیای جهانی^۱ بوده‌اند که خروج از اتحادیه اروپا و مسئله برگزیت را نیز می‌توان مهم‌ترین نتیجه این گفتمان دانست. تلاش‌های محافظه‌کاران به‌ویژه پس از اظهاراتی که هم از سوی دولت اوباما و هم دولت ترامپ مبنی بر نبود تأثیرگذاری منفی برگزیت بر ثبات رابطه ویژه مطرح شد، با انگیزه بیشتری دنبال شده است. از نمونه‌های مهم این تضمین‌های متقابل را می‌توان در نخستین سفر رسمی ترزا می^۲، نخست‌وزیر وقت بریتانیا در دی ۱۳۹۵ به واشنگتن و تأکید دو طرف بر حفظ رابطه ویژه مشاهده کرد. این تأیید و تأکیدها به‌ویژه از سوی عالی‌ترین مقام‌های دو کشور، به‌منظور اطمینان دادن به عرصه داخلی و بین‌المللی است تا همگان اهمیت این رابطه را برای دو کشور درک کنند. در این زمینه برای بریتانیا، مسئله رابطه ویژه و برگزیت مفاهیمی‌اند که قوام‌بخش یکدیگر خواهند بود.

این میزان از تضمین‌های دوجانبه که به‌ویژه از سوی بریتانیا مطرح می‌شود، روایتی از بریتانیای جهانی را ترویج می‌کند و رابطه ویژه به این کشور کمک می‌کند تا دوباره تعهد خود را نسبت به سیاست‌های دنبال‌شده از سوی ایالات متحده نشان دهد. این عمل به ایجاد احساس ثبات و تداوم در فضای داخلی مملو از تردید در بریتانیای پس از برگزیت کمک می‌کند، البته در عین حال، وابستگی بریتانیا به این رابطه را نیز افزایش می‌دهد (Oppermann, 2019: 8). به‌عبارت دیگر، نیازهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی بریتانیای پس از برگزیت، انگیزه‌های این کشور را به تضمین و تأیید مجدد از رابطه ویژه دوچندان کرده است که به نوبه خود، به حفظ و تقویت این رابطه کمک خواهد کرد.

۳.۱.۲. تأیید و پذیرش مضاعف نقش کمرنگ‌تر بریتانیا

رابطه ویژه ایالات متحده و بریتانیا بر یک تقسیم‌بندی پذیرفته‌شده بین دو کشور براساس نقش برجسته‌تر و کمرنگ‌تر استوار است. شاید بتوان این رابطه را نمونه‌ای از روابط نامتقارن دانست که در آن ایالات متحده نقش رهبری را به‌عهده دارد؛ و از بریتانیا انتظار می‌رود نقش پیرو را ایفا کند. در دوره پسا جنگ جهانی دوم، یکی از راهبردهای اصلی در صحنه سیاست بریتانیا این بوده است که بریتانیا باید تعهد مطلق خود را در قبال انجام وظایف خود ثابت کند تا بدین‌وسیله ایالات متحده را به ادامه رابطه ویژه تشویق کند و از خطر انزوای بریتانیا جلوگیری

1. Global Britain
2. Theresa May

شود (Snyder, 1997: 180). نسل‌های متعدد در عرصه سیاستگذاری خارجی بریتانیا، چنین تعهداتی را برای حفظ کیفیت رابطه ویژه ایالات متحده و بریتانیا بسیار مهم قلمداد کرده‌اند. در ازای این، بریتانیا نیز امیدوار است که از راه دسترسی ویژه خود در نفوذ و تأثیرگذاری در سیاست خارجی آمریکا، قدرت، جایگاه و اعتبار بین‌المللی خود را با کمک این قدرت واسطه‌ای تقویت کند (Reynolds, 1991: 178).

به نظر می‌رسد وظایف پیروی‌کننده که از نقش کمرنگ‌تر بریتانیا در رابطه ویژه ناشی می‌شود، پس از برگزیت پررنگ‌تر از پیش دنبال شود. در این زمینه این وظایف را می‌توان در چارچوب دو حوزه اصلی تعریف کرد. در مورد حوزه نخست باید گفت که یکی از اصول سیاست خارجی بریتانیا از زمان جنگ جهانی دوم این بوده است که موقعیت خود را در مسائل مهم بین‌المللی در کنار ایالات متحده تعریف کند. در این زمینه جمله مشهوری در محافل سیاسی بریتانیا وجود دارد: «به راه و روش امریکایی‌ها اهمیت دهید»، بنابراین انتظار می‌رود بریتانیا در عرصه بین‌المللی حمایت عمومی و دیپلماتیک خود را از ایالات متحده را بیشتر از گذشته نشان دهد (Otte, 2002: 213). دولت‌های بریتانیا بیش از سایر کشورها از رویارویی مشخص با ایالات متحده نگران بوده و تا حد امکان تلاش کرده‌اند از تصمیم‌ها و منافع سیاست خارجی ایالات متحده پیروی کنند. به عبارت دیگر، برای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی بریتانیا، این بخشی از معامله در رابطه ویژه است و در ازای آن، همان‌گونه که اشاره شد، این اطمینان برای آنها حاصل می‌شود که منافع بریتانیا در واشنگتن شنیده می‌شود (Danchev, 2006: 580).

دوم، تعهد مضاعف بریتانیا درباره نقش کمرنگ‌تر خود در رابطه ویژه با توجه به تمایل و ظرفیت‌های این کشور برای مشارکت در اهداف و منافع امنیتی ایالات متحده است که این تعهد در عمل فراتر از پشتیبانی عمومی و دیپلماتیک است (Oppermann, 2019: 244). در این زمینه، همکاری بسیار نزدیک اطلاعاتی بین ایالات متحده و بریتانیا عامل مهمی خواهد بود. با وجود این، به نظر می‌رسد توانایی و آمادگی بریتانیا برای ارائه پشتیبانی لجستیک و همچنین پشتیبانی نظامی از عملیات مداخله نظامی ناتو به رهبری ایالات متحده، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به این بخش با این نقل قول از تونی بلر نخست‌وزیر پیشین بریتانیا پایان داده می‌شود که در مورد خواسته نهایی ایالات متحده از بریتانیا در مسئله رابطه ویژه بیان کرد: «آیا شما بریتانیایی‌ها آماده تعهد دادن هستید؟ آیا زمانی که جنگ آغاز شد و ماشه‌ها کشیده شدند، خود را آماده کرده‌اید؟» (Blair, 2002).

۴. مسئولیت حمایت

در ۱۳۷۸، تونی بلر در سخنرانی خود در شیکاگو عنوان کرد که مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی بریتانیا این است که شرایطی که کشور باید در درگیری‌های جهانی حضور داشته باشد، به‌طور دقیق مشخص شود (Blair, 2009). این رویکرد حوزه گسترده‌ای را در سیاست خارجی بریتانیا در برمی‌گیرد و به همین دلیل مداخله‌گرایی لیبرال نیز در چارچوب همین اصل مطالعه می‌شود. اصل مسئولیت حمایت در واقع از سوی سازمان ملل تأیید شده است تا از وقوع حوادثی مانند نسل‌کشی رواندا (۱۳۷۳) و مانند آن جلوگیری شود. در متن اصلی «مسئولیت بین‌المللی حمایت و حاکمیت دولت‌ها» بر این عبارت تأکید شده است: «اجرای مسئولیت حمایت با تأکید بر مسئولیت جامعه بین‌المللی برای انجام اقدام‌های به‌موقع و قاطعانه برای جلوگیری از ظلم و ستم سراسری است؛ هنگامی که کشوری آشکارا نتواند از مردم خود محافظت کند» (International Commission on Intervention and State Sovereignty, 2001). مسئولیت حمایت امروزه و به‌ویژه پس از جنگ در عراق، با ابهام‌های بسیاری در میان طرفداران حزب کارگر همراه بوده است. طبق نظرسنجی منتشرشده از سوی چتم‌هاوس^۱ در ۱۳۹۰، بیشتر رأی‌دهندگان به حزب کارگر، به مداخله این کشور در سایر نقاط جهان و به‌ویژه خاورمیانه با شک و تردید می‌نگرند (Harvey, 2011).

حزب محافظه‌کار نیز مسئولیت حمایت را به‌طور کامل تأیید می‌کند و حتی خود را برای ترویج حقوق بشر، آزادی و دموکراسی و مبارزه با تروریسم متعهد به اجرای آن می‌داند؛ با این حال رهبران این حزب زمانی به ضرورت مداخله در خارج از کشور توجه و تأکید می‌کنند که امنیت داخلی کشور به خطر بیفتد یا دست‌کم این مداخله دارای ابعاد بشردوستانه‌ای باشد که در نهایت در راستای منافع ملی بریتانیا قرار گیرد (Harrois, 2015: 7). به‌راستی این رویکرد همانند روش پیشگیرانه‌ای است که جرج بوش پس از حملات یازده سپتامبر از آن استفاده کرد؛ اما بریتانیایی‌ها به‌جای در پیش گرفتن سیاست یک‌جانبه‌گرایی در قبال این‌گونه رویدادها، در پی چندجانبه‌گرایی یا ایجاد یک ائتلاف جهانی و با هدف رسیدن به مقاصد بشردوستانه هستند. رهبران حزب محافظه‌کار در چارچوب مسئولیت حمایت، رویکرد دیگری را نیز در سیاست خارجی بریتانیا تقویت کرده‌اند که می‌توان آن را مداخله‌گرایی لیبرال نام نهاد. این نوع مداخله‌گرایی در سیاست خارجی بریتانیا به معنای استفاده از نیروی نظامی و غیرنظامی برای جامعه عمل پوشاندن به اهداف لیبرال همسو با منافع بریتانیاست. این مسئله در سیاست خارجی این کشور به‌حدی اهمیت دارد که این مداخله می‌تواند بدون مجوز مشخصی از شورای امنیت سازمان ملل نیز صورت پذیرد. در همین زمینه، براساس راهبرد امنیت ملی مصوب در ۱۳۸۹،

بخشی از کمک‌های بریتانیا در خارج از کشور، برای پیشگیری از درگیری اختصاص داده شده است (Peksen, 2012: 18). برای نمونه، در جریان انتخابات ۱۳۸۹، دو حزب بزرگ بریتانیا متعهد شدند که ۰/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را براساس اهداف توافقنامه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، برای کمک به کشورها به‌ویژه جهان سوم اختصاص دهند (Kümmel & Bastian, 2013: 124). این تعهد سبب شد که وزارت توسعه بین‌الملل^۲ به یکی از بازیگران اصلی سیاست خارجی بریتانیا تبدیل شود.

رویکرد دولت‌های مختلف در بریتانیا نسبت به اصل مداخله‌گرایی لیبرال و نحوه اجرای آن تفاوت‌های محسوسی با یکدیگر دارد. برای مثال، تونی بلر باور داشت که توجیه یک اقدام نظامی نمی‌تواند و نباید به شورای امنیت سازمان ملل وابسته باشد. به باور وی اگر یک اقدام نظامی از سوی بخش اعظم جامعه جهانی پشتیبانی شود، اما تنها یکی از پنج عضو دائم آن را وتو کند، از انجام این اقدام مثبت جلوگیری می‌شود. در چنین شرایطی، مصیبت‌های بشری امری مجاز تلقی خواهد شد و اشتباه‌های پیشین تکرار شده و صلح و امنیت بین‌المللی تهدید خواهد شد (Kümmel & Bastian, 2013: 114). بر این اساس، رویکرد حزب کارگر درباره اصل مداخله‌گرایی لیبرال، نسبت به محافظه‌کاران متفاوت است. حزب محافظه‌کار در عمل، منافع ملی را بالاتر از هر نوع منفعت بشردوستانه قرار می‌دهد (Harrois, 2015: 4). این رویکرد منفی به سیاست‌های بشردوستانه، همواره حزب محافظه‌کار را به‌عنوان حزب ظالم به تصویر کشیده است. در این زمینه، دیوید کامرون برای تطهیر چهره حزب، اصطلاح جدیدی به دیدگاه محافظه‌کارانه در مورد مداخله‌گرایی لیبرال وارد کرد و آن را محافظه‌کاری لیبرال^۳ نامید.

دیوید کامرون در شهریور ۱۳۸۵ در مصاحبه با بنیاد پروژه بریتانیایی و امریکایی^۴ می‌گوید: من یک محافظه‌کار لیبرال تا یک نومحافظه‌کار. لیبرال؛ زیرا از گسترش آزادی و دموکراسی و مداخله‌های بشردوستانه حمایت می‌کنم. محافظه‌کارم؛ زیرا پیچیدگی‌های طبیعت انسان را می‌شناسم و درباره طرح‌های بزرگ و دور از دسترس برای به اصطلاح بازآفرینی جهان تردید دارم. رویکرد محافظه‌کاری لیبرال در سیاست خارجی مبتنی بر پنج گزاره اصلی است: نخست، باید تهدیدی را که با آن روبه‌رو هستیم، درک کنیم؛ دوم، دموکراسی نمی‌تواند به‌سرعت از خارج تحمیل شود؛ سوم، راهبرد ما باید فراتر از اقدام‌های نظامی باشد؛ چهارم، ما برای مقابله با چالش‌های جهانی جدیدی که با آن مواجهیم، نیازمند چندجانبه‌گرایی جدید هستیم؛ پنجم، باید تلاش کنیم تا با اقتدار توأم با اخلاق عمل کنیم (Cameron, 2006).

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. Department for International Development

3. Liberal Conservatism

4. British-American Project

این تعهد جدید از سوی حزب محافظه‌کار با اقدام‌های دیگری همچون وابستگی کمتر به ایالات متحده، دلبستگی بیشتر به مسائل محیط‌زیستی و مخالفت سخت‌تر با نقض آزادی‌های مدنی همراه شده است. با وجود تمام این مسائل، رهبران محافظه‌کار کماکان درجه‌ای از عمل‌گرایی و مصلحت‌گرایی را حفظ کرده‌اند. از نظر کامرون، اگر جامعه بین‌المللی از مداخله‌ای پشتیبانی نکند، یا مایل به انجام یک اقدام نظامی برای اهداف لیبرال نباشد، این ائتلاف‌ها هستند که بدون نیاز به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، می‌توانند جنگی را آغاز کنند (Hackmann, 2005: 2019). برای نمونه، ویلیام هیگ^۱، وزیر امور خارجه بریتانیا، به‌طور آشکار بیان می‌کند که منافع ملی و اخلاق، مهم‌ترین مسائل در حوزه سیاست خارجی بریتانیا هستند. توجه به منافع ملی، از جمله تجارت، با توجه به اوضاع نامساعد اقتصادی که دولت محافظه‌کار تجربه رو به‌رو شدن با آن را داشته است، به‌طور کامل منطقی است. برای هیگ، اخلاق زمانی مهم است که با منافع ملی بریتانیا همراه شود:

آنچه مایلیم آن را منافع روشنفکرانه ملی بنامم، موضوعی ساده نیست. به‌طور روشنفکرانه، منافع ملی به معنای نیرویی است برای جست‌وجوی منافع خوب برای جهانیان و جست‌وجوی منافع برتر برای شهروندان و جامعه خودمان (Harvey, 2011).

۱. ۴. تأثیر برگزیت بر اصل مسئولیت حمایت

بسیاری از پژوهشگران و حتی سیاستمداران بریتانیایی باور دارند که برگزیت فضای گسترده‌ای از سیاست‌های «مداخله نکردن» را در برمی‌گیرد که به‌طور بالقوه می‌توانند برخلاف اصول مسئولیت حمایت عمل کنند. در این زمینه، ایوان لوئیس^۲، از نمایندگان پارلمان بریتانیا تأکید می‌کند که پس از برگزیت، مداخله نظامی زیر مسئولیت حمایت چه از نوع لیبرال و غیر آن، باید آخرین راه‌حل برای بریتانیا باشد. لوئیس تأکید می‌کند که به‌منظور به حداکثر رساندن ظرفیت بریتانیا برای رسیدن به اهداف مسئولیت حمایت، باید به دو اصل بودجه اقتصادی و همچنین رابطه ویژه با ایالات متحده توجه شده و این اهداف باید در چشم‌اندازی منسجم از بریتانیای پس از برگزیت گنجانیده شود (Shaikh, 2019). جیمز وِرال^۳، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه لیدز درباره ظرفیت بریتانیای پس از برگزیت در رابطه با مسئولیت حمایت بیان می‌کند که پس از برگزیت، باید بودجه دفاعی را در رابطه با مسئولیت حمایت کاهش داد. از نظر ورال، نبود تمایل جهانی برای مشارکت یک‌جانبه (حتی برای کشوری مانند ایالات متحده) به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است؛ بنابراین بریتانیا نیز باید در همین مسیر گام بردارد. در

1. William Hague
2. Ivan Lewis
3. James Worrall

نهایت و رال پیش‌بینی می‌کند برگزیت موجب خواهد شد که بریتانیا نیز تا حد بسیار زیادی از رفتارهای یک‌جانبه نظامی (با هر پسوندی) دوری کند. وی همچنین پیش‌بینی می‌کند که تمرکز دولت پس از برگزیت استفاده بیشتر از ظرفیت‌های قدرت نرم خواهد بود و به همین دلیل وزارت خارجه برای بازگشایی سفارتخانه‌ها در کشورهای دشمن برنامه‌ریزی می‌کند (Shaikh, 2019).

برگزیت می‌تواند افزون‌بر تأثیر چشمگیر بر امور داخلی بریتانیا، چالش مهم برای تعامل بین‌المللی این کشور نیز باشد. برگزیت به‌طور انکارناپذیری، عملی در جهت رهایی از تعهدهای سازمانی است؛ به‌ویژه اینکه مداخله‌گرایی سده بیست‌ویکم آن‌گونه که افکار عمومی بریتانیا در جنگ‌های بوش و بلر شاهد آن بوده‌اند، تنها به گرفتاری بریتانیا منجر شده است. در ادامه بررسی تأثیر برگزیت بر اصل مسئولیت حمایت و مداخله‌گرایی لیبرال، باید به مشکلات اقتصادی که بریتانیا با آن روبه‌روست نیز توجه شود. برای نمونه، بحران اقتصادی ۱۳۸۷ سبب شد بریتانیا تا حدود زیادی توانایی درگیری‌های نظامی را که پیشتر برای آن برنامه‌ریزی کرده بود، از دست بدهد (Lister, 2012). مشکلات مالی و کاهش هزینه‌ها که وزارت دفاع بریتانیا باید خود را با آن سازگار کند. موجب به زیر سؤال رفتن مسائل زیادی از جمله کارایی و قابلیت‌های ارتش بریتانیا در مسائل دفاعی و سیاست خارجی شده است. برای بسیاری از تحلیل‌گران حوزه سیاست خارجی بریتانیا مسلم است که این کشور، کمتر از گذشته برای ظرفیت‌های دفاعی خود هزینه کرده و این مسئله حتی رابطه ویژه را نیز تهدید می‌کند. در واقع، از آنجا که بریتانیا از اصلی‌ترین اعضای ناتو است، کاهش هزینه‌های دفاعی می‌تواند پیامدهای بدی برای ناتو نیز داشته باشد؛ نهادی که موفق‌ترین سازمان امنیتی چندجانبه خوانده می‌شود. بنابراین، برگزیت می‌تواند بریتانیا را بیش از پیش از مداخله‌های نظامی به اصطلاح بشردوستانه و لیبرال دور کند و در این زمینه می‌توان شاهد چرخش این کشور به انزواگرایی بیشتر بود. به‌عبارت دیگر، به‌نظر می‌رسد برگزیت به تحکیم انزواگرایی در بریتانیا کمک خواهد کرد. در نتیجه این امر، بریتانیای پس از برگزیت با دو تناقض چشمگیر روبه‌رو خواهد بود؛ نزدیک‌تر شدن بیش از پیش به ایالات متحده آمریکا و تقویت رابطه ویژه، و در عین حال کاهش دادن بودجه نظامی و نبود تمایل به مشارکت در مداخله نظامی؛ امری که به‌طور متناقضی، خود رابطه ویژه را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد (Bromund, 2008).

۵. چندجانبه‌گرایی

یان کرنز^۱ از مؤسسه خدمات سلطنتی متحد^۲ می‌گوید: «هیچ کشوری نمی‌تواند رویدادهای جهانی را به تنهایی شکل دهد. ما باید با دیگران همکاری کنیم و مطمئن شویم که نهادهای چندجانبه کاربرد دارند و بی‌فایده نیستند» (Hardy & Denselow, 2011: 28). چندجانبه‌گرایی که از سوی مایلز کالر^۳ به‌عنوان حاکمیت بین‌المللی تعریف شده است، رویکردی است، در مخالفت با یکجانبه‌گرایی و حتی دوجانبه‌گرایی، و اغلب بازتابی است از دیپلماسی وابستگی (قدرت‌های بزرگ) برای مداخله در کشورهای ضعیف‌تر. چندجانبه‌گرایی ابزاری مشورتی برای پیگیری منافع جمعی است که در آن اختلاف‌نظرها امری عادی تلقی می‌شود و در عین حال شکل‌گیری اجماع کشورها ممکن است (Kahler, 1992: 681).

در ۱۳۸۹، الکساندر داگلاس^۴ پس از انتصاب به‌عنوان وزیر خارجه دولت سایه^۵، بر اهمیت رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی بریتانیا تأکید کرد (Douglas, 2015). با این حال، این مسئله هنوز به‌طور کامل به مرحله اجرا گذاشته نشده است، زیرا چشم‌انداز چندجانبه‌گرایی برای بریتانیا چندان مشخص به‌نظر نمی‌رسد. در واقع، تا به امروز تلاش بریتانیا بر این بوده است که به‌جای روابط چندجانبه، وارد روابط دوجانبه شود. در سال‌های اخیر، شاید بتوان رویکرد دولت دیوید کامرون را درباره تقویت روابط تجاری مستقیم با کشورهایی مانند برزیل و چین و اعلام پیمان دفاعی با فرانسه، از جمله مهم‌ترین اقدام‌ها در راستای چندجانبه‌گرایی بریتانیایی توصیف کرد. گروه بیست اقتصاد بزرگ، که در آن بریتانیا فقط یک قدرت در بین سایر قدرت‌هاست، در حال افزایش اعتبار در سطح جهانی است و در این دوران، قدرت‌های نوظهوری مانند چین، هند و برزیل و حضور آنها در این گروه که شاید نظم جهانی فعلی را به چالش می‌کشند، موجب خواهند شد قدرت‌های غربی مانند ایالات متحده و بریتانیا زیر فشار قرار گیرند و از انعطاف پیشین برخوردار نباشند. بهترین نمونه‌ای که منعکس‌کننده این روند است، نبود تمایل بریتانیا به مداخله در سوریه و عراق و همچنین نبود تمایل امریکایی‌ها برای محافظت از شهروندان لیبی در طول انقلاب این کشور است (McGregor, 2013).

چندجانبه‌گرایی رویکردی است که می‌تواند علت وجودی خود را بازتعریف کند و اگرچه بریتانیا همواره به آن شک و تردید داشته، در سال‌های اخیر نشان داده است که نیاز این کشور

-
1. Ian Kearns
 2. Royal United Services Institute
 3. Miles Kahler
 4. Alexander Douglas
 5. Shadow Cabinet

به سیستم چندجانبه کارآمد ضروری است؛ به‌ویژه با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این نیاز بیش از پیش احساس خواهد شد. قابلیت‌های بریتانیا و حتی ایالات متحده در یک‌جانبه‌گرایی سیاست خارجی، آن‌گونه که در ۱۳۸۲ انجام می‌گرفت، به‌سرعت در حال کاهش است و نادیده گرفتن این مسئله برای بزرگ‌ترین احزاب سیاسی بریتانیا پیامدهای ناگواری را به‌همراه خواهد داشت. برای حزب محافظه‌کار، دوجانبه‌گرایی همواره رویکرد جذاب‌تری بوده است؛ و با این حال این حزب در بسیاری از بحران‌های اخیر بین‌المللی، مجبور به پیروی از ائتلاف‌های چندجانبه بوده است. برای نمونه در دوران بحران لیبی، دولت دیوید کامرون مجبور شد با بین‌المللی کردن درگیری‌ها و ایجاد ائتلافی چندجانبه، راه را برای سرنگونی قذافی هموار کند. حزب کارگر در مانیفست خود در ۱۳۶۶، به سازمان ملل متحد و اقدام چندجانبه کشورهای متعهد شده است و در این زمینه یک‌جانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل را در مواقعی که منافع کشورهای بسیاری در آن مشترک است، محکوم می‌کند. از آنجا که حزب کارگر ارزش بسیاری برای اقدام‌های چندجانبه قائل است و چندجانبه‌گرایی را به‌منزله هدف خود به رسمیت می‌شناسد، دولت‌های این حزب کم و بیش سیاست‌های تک‌روی ایالات متحده را نقد و حتی محکوم کرده‌اند. رهبران حزب کارگر باور دارند نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل عرصه‌هایی هستند که کشورها می‌توانند اطلاعات را مبادله کرده و با یکدیگر مشورت کنند تا به اجماع نهایی در مورد مسائل جهانی برسند. در مورد اروپا، حزب کارگر آن را جامعه‌ای می‌بیند که رویکردهای چندجانبه با آن در همسانی کامل هستند و به‌خوبی قادر است درباره سیاست‌های امنیتی و ضد‌تروریسم به اجماع برسد (Rathmell, 2014: 2).

برای بسیاری از تحلیل‌گران، توانایی بریتانیا برای اجرای عملیات یک‌جانبه و مستقل مانند آنچه در فالکلند^۱ انجام داد، از بین رفته است. در واقع، نبردهای خونین که با بهار عربی آغاز شد، خاورمیانه را به منطقه‌ای ویران‌تر تبدیل کرده است و هنگامی که به این مسائل بحران‌های اقتصادی، برنامه هسته‌ای ایران و سایر مسائل بین‌المللی نیز افزوده می‌شود، شتاب‌بخشی در رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی بریتانیا را سبب خواهد شد.

۱.۵. تأثیر برگزیت بر اصل چندجانبه‌گرایی

امانوئل کانت فیلسوف آلمانی، در کتاب خود با عنوان صلح ابدی می‌نویسد: تنها وسیله‌ای که سبب می‌شود ملت‌ها به جنگ همیشگی خاتمه دهند، این است که دست از وحشی‌گری و آزادی بی‌حد خود بردارند و خود را در برابر محدودیت‌های قانونی مشترک قرار دهند و به‌واسطه این قانون، ملتی در حال رشد ایجاد شود و سرانجام تمام مردم زمین را شامل شود

(Kant, 1795: 7). اتحادیه اروپا شاید بزرگ‌ترین نمونه از ملت ایده‌آل موردنظر کانت است. این اتحادیه که از ویرانی دو جنگ جهانی ناشی می‌شود، کشورهای اروپایی را در تعهد گسترده‌ای به همکاری و یکپارچگی در کنار همدیگر جمع می‌کند و هدف نهایی آن این است که ملت‌ها آنچنان به هم نزدیک شوند که جنگ، تصورناشدنی شود. این مسئله بی‌گمان آرمانی بی‌عیب و نقص است، اما همه‌پرسی برگزیت، هزینه‌های سنگین این آرمان و به‌طور کلی چندجانبه‌گرایی را نشان می‌دهد.

بسیاری از مردم بریتانیا باور دارند که کشورشان قدرت بزرگی در صحنه جهانی است و این مسئله ناشی از دیدگاه و درک مشترک در ذهن این ملت است که درباره گذشته شکوهمند بریتانیا وجود داشته و دارد. افزون بر ذهنیت عموم مردم، در محافل رسمی بریتانیا نیز این باور که این کشور ابرقدرت است، امری غالب بوده و به عاملی تأثیرگذار در سیاست خارجی انگلیس تبدیل شده است (Morris, 2011: 4). بر این اساس، بسیاری باور دارند که این ابرقدرت نمی‌تواند سیاست‌های دفاعی و خارجی خود را با کشورهای به‌باور خود کم‌اهمیت‌تر—مانند آنچه در اتحادیه اروپا اتفاق می‌افتد—به اشتراک بگذارد. بنابراین، آن نوع از چندجانبه‌گرایی که سبب تفویض بیش از اندازه حاکمیت ملی بریتانیا می‌شود، نمی‌تواند مورد پذیرش بخش بزرگی از جامعه توده و نخبه بریتانیا باشد. در همین زمینه، لیکواسن می‌نویسد که پدیده برگزیت را باید از منظر بلندمدت مشاهده کرد. مردم بریتانیا، به‌ویژه بدنه محافظه‌کار این کشور که اکثریت جامعه را نیز تشکیل می‌دهند، هرگز با ایده نزدیک شدن بیش از اندازه به یک اتحادیه موافق نبوده‌اند. به نظر وی تردیدها در مورد اروپامحوری به سه دلیل مهم باز می‌گردد؛ نخست اینکه نولیبرالیسم اقتصادی باور دارد که پروژه اتحادیه اروپایی باید محدود به بازار باشد. همین مسئله توضیح‌دهنده رفتار مارگارت تاچر است که پذیرفته بود در ایجاد بازار بزرگ اتحادیه اروپا سهمیم باشد. در این باره، بریتانیایی‌ها در مسئله اتحادیه، هیچ‌گاه به‌دنبال این نبوده‌اند که از یک بازار فراتر بروند. برای آنها، اتحادیه اروپا جامعه‌ای است که بیش از حد از سوی نهادها تنظیم می‌شود؛ این به‌طور دقیق برعکس نسخه چپ‌گرایان فرانسوی منتقد اتحادیه اروپاست. عامل دوم ظهور ناسیونالیسم انگلیسی از اواسط دهه ۱۹۹۰ است که در تقابل با افزایش اختیارات واگذار شده به ایرلند شمالی و اسکاتلند شکل گرفت. در این زمینه جامعه محافظه‌کارتر بیشتر به انگلیس اعتقاد و تمایل دارد که به گفته آنها قدرتی باشکوه، بزرگ و خودکفاست، زیرا نظام حکومتی پارلمانی (پارلمان‌تاریسم)^۱ را اختراع کرده است. عامل سوم به مسئله مهاجرت مرتبط می‌شود. مهاجرت از اروپای مرکزی و حوزه بالتیک به‌سرعت مورد انتقاد انگلیسی‌ها قرار گرفت. به موازات آن بحران یورو در ۱۳۸۸، مشروعیت

1. Parliamentarism

اتحادیه اروپا در انگلستان را به‌طور جدی خدشه‌دار کرد. این مجموعه عوامل توضیح‌دهنده این مسئله است که چرا بدنه محافظه‌کار بریتانیا در پی این است که قدرت نظارت کامل‌تری را به‌دست آورد و این پرسش بیش از پیش تکرار شود که آیا لازم است در اتحادیه اروپا باقی ماند؟ (Lequesne, 2019). به‌عبارت دیگر، نهادهای بین‌المللی همچون اتحادیه اروپا، در کنار مزایای خود، نهادهای حاکمیت و ناسیونالیسم را تضعیف می‌کنند و این مسئله می‌تواند برای کشورهای بزرگ‌تر اتحادیه چالش‌های زیادی را به‌همراه داشته باشد. بنابراین جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا را نمی‌توان به مفهوم وداع این کشور با چندجانبه‌گرایی دانست و این مسئله تنها باید در چارچوب تحکیم حاکمیت بریتانیا بر سرزمین خود مطالعه شود؛ کما اینکه نهادهایی مانند سازمان امنیت و ناتو، نهادهایی هستند که بریتانیا قصد ترک آنها را ندارد. افزون‌بر این، همان‌گونه که ذکر شد، شرایط بریتانیای پس از برگزیت به‌گونه‌ای نیست که قادر به اتخاذ سیاست خارجی یکجانبه باشد. سخنان ترزا می نخست‌وزیر وقت بریتانیا نیز در همین باره تبیین می‌شود که رأی مردم برای خروج از اتحادیه اروپا به معنای رد چندجانبه‌گرایی نیست، بلکه آنها تنها خواستار پاسخگویی دولت به جامعه بریتانیا هستند. وی در ادامه بیان می‌کند که خواسته مردم این است که همکاری‌های بین‌المللی با متحدان و شرکای بریتانیا در راستای دستیابی به ارزش‌های مشترک و دخالت نکردن در امور داخلی یکدیگر تحقق یابد (Goodman, 2019).

۶. نتیجه

بسیاری از پژوهشگران حوزه سیاست خارجی باور دارند که حضور قدرت بزرگی مانند بریتانیا در ائتلاف عمیقی همچون اتحادیه اروپا از ابتدا با چشم‌اندازی مبهم روبه‌رو بوده است. به‌عبارت دیگر، دور از ذهن است که کشوری مانند بریتانیا که روزگاری در مرکز جهان سیاست قرار داشته است، حاکمیت ملی و استقلال سیاست خارجی خود را در شبه‌فدراسیونی همچون اتحادیه اروپا ادغام کند؛ درحالی‌که برتری خاصی نسبت به سایر اعضا ندارد؛ مسئله‌ای که امنیت هستی‌شناختی بریتانیایی‌ها را به خطر انداخته است. با وجود این، برگزیت و جدایی از اتحادیه‌ای که بریتانیا نیم‌قرن از اعضای اصلی آن بوده است، سیاست خارجی این کشور را با دگرگونی‌های زیادی روبه‌رو خواهد کرد. در این مقاله، تأثیر این پدیده بر سه اصل مهم در سیاست خارجی بریتانیا (رابطه ویژه، مسئولیت حمایت و چندجانبه‌گرایی)، به‌صورت مجزا مطالعه و بررسی شده است. در این زمینه ابتدا به تبیین مواضع دو حزب محافظه‌کار و کارگر درباره هر اصل پرداخته شد و سپس چرایی و چگونگی تأثیر برگزیت بر آنها تجزیه و تحلیل

شد. در این زمینه یافته‌های ما در مورد تأثیر برگزیت بر هر یک از اصول سیاست خارجی بریتانیا در زیر آمده است:

- (تأثیر بر رابطه ویژه): پس از برگزیت، ظرفیت استفاده از رابطه ویژه، به میل و توانایی بریتانیا در برطرف کردن شک و تردیدهای ایالات متحده بستگی خواهد داشت. در خصوص اهداف دولت بریتانیا در حفظ و تقویت رابطه ویژه در بریتانیا پس از برگزیت و امریکای ترامپ، دو عامل تضمین متقابل دو کشور از رابطه ویژه و تأیید و پذیرفتن نقش کم‌رنگ‌تر از سوی بریتانیا نسبت به ایالات متحده، بسیار ضروری خواهد بود. در مورد نخستین عامل، میزان و کیفیت تضمین‌های دوجانبه که به‌ویژه مورد انتظار بریتانیاست، به این کشور کمک می‌کند تا دوباره تعهد خود را نسبت به سیاست‌های دنبال‌شده از سوی ایالات متحده نشان دهد. در مورد عامل دوم نیز به‌نظر می‌رسد که وظایف پیروی‌کننده، از نقش کم‌رنگ‌تر بریتانیا در رابطه ویژه ناشی می‌شود که انتظار می‌رود در سیاست خارجی پس از برگزیت، پررنگ‌تر از پیش دنبال شود.

- (تأثیر بر مسئولیت حمایت): در مورد اصل مسئولیت حمایت در بریتانیا پس از برگزیت، نگرانی‌های بسیاری وجود دارد. مهم‌ترین این نگرانی‌ها به این مسئله برمی‌گردد که بریتانیا چه از نظر اقتصادی و چه از نظر نظامی و امنیتی، از موقعیت ضعیف‌تری نسبت به پیش برخوردار خواهد بود، بنابراین بسیاری در بریتانیا باور دارند که مسئولیت‌های حمایتی این کشور به‌ویژه از نوع مداخله نظامی حتی برای اهداف بشردوستانه، باید آخرین راه‌حل این کشور باشد. در این زمینه برخی دیگر بر این باورند که بریتانیا در راستای ایفای مسئولیت حمایت و مداخله‌گرایی لیبرال، بیش از پیش به استفاده از ظرفیت‌های قدرت نرم روی خواهد آورد.

- (تأثیر بر چندجانبه‌گرایی): در نهایت، در مورد اصل چندجانبه‌گرایی باید گفت که شرایط بریتانیا پس از برگزیت به‌گونه‌ای نخواهد بود که قادر به اتخاذ سیاست خارجی یکجانبه در قبال رویدادهای مهم بین‌المللی باشد. از این رو به‌نظر می‌رسد این کشور کماکان اصل چندجانبه‌گرایی را در سیاست خارجی خود دنبال کند؛ ائتلاف‌هایی که حاکمیت ملی و استقلال سیاست خارجی این کشور را زیر سؤال نبرند؛ مانند آنچه در ناتو شاهد آن هستیم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

1. Azubuike, Samuel. (2005) "The Poodle Theory and the Anglo-American Special Relationship," *International Studies* 42, 2: 123-139, <DOI/10.1177/002088170404200202>.
2. Bew, John; and Gabriel Elefteriu. (2016) "Making Sense of British Foreign Policy after Brexit," *Policy Exchange Think Tank*. PDF e-book. Available at: <https://policyexchange.org.uk/wp-content/uploads/2016/09/british-foreign-policy-after-brexite-policy-exchange-briefing-july-2016.pdf> (Accessed 11 March 2019).
3. Blair, Tony. (2002, September) "Britain will Pay Blood Price," (*bbc.co.uk*). Available at: http://news.bbc.co.uk/1/hi/uk_politics/2239887.stm (Accessed 17 January 2020).
4. Blair, Tony. (May, 2009) *Doctrine of the International Community*. PDF e-book. Available at: <http://yalejournal.org/wp-content/uploads/2011/01/094201blair.pdf> (Accessed 11 March 2019).
5. Bromund, R. Theodore. (2008) "British Defense Cuts Threaten the Anglo-American Special Relationship," *The Heritage Foundation*. PDF e-book. Available at: http://s3.amazonaws.com/thf_media/2008/pdf/bg2210.pdf (Accessed 17 January 2020).
6. Cameron, David. (2006, September) "Conservative Party Leader's Speech on Foreign Policy and National Security," *Guardian*. Available at: <http://www.theguardian.com/politics/2006/sep/11/conservatives.speeches> (Accessed 11 March 2020).
7. Cameron, David. (2009, October) "Leader's Speech: Conservative Party Conference," (*britishpoliticalspeech.org*). Available at: <http://www.britishpoliticalspeech.org/speech-archive.htm?speech=154> (Accessed 24 March 2020).
8. Danchev, Alex. (2006) "The Cold War Special Relationship (Revisited)," *Diplomacy & Statecraft* 17, 3: 579-595, <DOI/ 10.1080/09592290600867651>.
9. Danchev, Alex; and John MacMillan. (2005) *The Iraq War and Democratic Politics*. London: Routledge.
10. Douglas, Alexander. (2015, March) "Labor won't let David Cameron turn the UK into Little Britain," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2015/mar/09/labour-david-cameron-britain-isolationist-foreign-policy> (Accessed 24 March 2020).
11. Goodman, Helen. (2019, July) "FPC Briefing: in Defence of Multilateralism," (*fpc.org.uk*). Available at: <https://fpc.org.uk/fpc-briefing-in-defence-of-multilateralism/> (Accessed 24 March 2020).
12. Hackmann, Rolf. (2005) *Globalization: Myth, Miracle, Mirage*. Lanham: University Press of America.
13. Hardy, Sam; and James Denselow. (2011) *The Future of Labour's Foreign Policy*, London: Progress.
14. Harrois, Thibaud. (2015) "Little Britain? The Debate on Britain's Foreign and Defence Policy," *French Journal of British Studies* 20, 3: 1-17, <DOI:10.4000/rfcb.580>.
15. Harvey, Michael. (2011) *Perspectives on UK's Place in the World*. London: Chatham House, PDF e-book. Available at: http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/Europe/1211pp_harvey.pdf (Accessed 17 January 2020).
16. International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS). (2001, December) *Responsibility to Protect: Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty*. Ottawa, CA: International Development

- Research Center. PDF e-book Available at: https://walterdorn.net/pdf/Responsibility-to-Protect_ICISS-Report_Dec2001.pdf (Accessed 24 March 2020).
17. Jones, Peter. (1997) *America and the British Labour Party*. London: I.B Tauris.
 18. Kahler, Miles. (1992) "Multilateralism with Small and Large Numbers," *International Organization* 46, 3: 681-708, <DOI:10.1017/S0020818300027867>.
 19. Kant, Immanuel. (1795) *Perpetual Peace: A Philosophical Sketch*. Königsberg: F. Nicolovius.
 20. Kinnvall, Catarina. (2004) "Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity and the Search for Ontological Security," *Political Psychology* 25, 5: 741-767, <DOI/ 10.1111/j.1467-9221.2004.00396.x>.
 21. Kümmel, Gerhard; and Bastian Giegerich. (2013) *The Armed Forces: Towards a Post-interventionist Era?* Wiesbaden: Springer.
 22. Lequesne, Christian. (2019, March) "Brexit: Evolution or Revolution?" (*sciencespo.fr*). Available at: <https://www.sciencespo.fr/en/news/news/brexit-evolution-or-revolution/4015> (Accessed 26 March 2020).
 23. Lister, Sam. (2012, May) "£38 billion Defence Black Hole Filled," *Independent*. Available at: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/38-billion-defence-black-hole-filled-7746401.html>. (Accessed 24 March 2020).
 24. Mason, Rowena. (2014, May) "David Cameron: in-out Referendum on EU by 2017 is Cast-iron Pledge," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2014/may/11/david-cameron-european-union-referendum-pledge> (Accessed 28 March 2020).
 25. McGregor, Richard. (2013, August) "Cameron loses Commons Syria Vote," *Financial Times*. Available at: <https://www.ft.com/content/b16c699c-1096-11e3-b291-00144feabdc0> (Accessed 4 December 2019).
 26. Morris, Justin. (2011) "How Great is Britain? Power, Responsibility and Britain's Future Global Role," *British Journal of Politics and International Relations* 13, 3: 326-347, <DOI/ 10.1111/j.1467-856X.2011.00450.x>.
 27. Oliver, Tim; and John M. Williams. (2016) "Special Relationships in Flux: Brexit and the Future of the US-EU and US-UK Relationships," *International Affairs* 92, 3: 547-567, <DOI/10.1111/1468-2346.12606>.
 28. Oppermann, Kai. (2019) "Brexit and the Politics of Resilience in the U.S.-UK Special Relationship," in Gordon Friedrichs, et al., eds. *The Politics of Resilience and Transatlantic Order*. London: Routledge.
 29. Otte, G. Thomas. (2002) *The Makers of British Foreign Policy: From Pitt to Thatcher*. London: Palgrave.
 30. Peksen, Dursun. (2012) *Liberal Interventionism and Democracy Promotion*. Plymouth: Lexington Books.
 31. Rathmell, Andrew. (2009, October) "Multilateral Approaches to Security: Choices for Defence," *RUSI-Future Defence Review, Working Paper* No. 3. Available at: <https://www.rusi.org/downloads/assets/FDR3.pdf> (Accessed 2 May 2018).
 32. Reynolds, David. (1991) *Britannia Overruled: British Policy and World Power in the 20th Century*. London: Longman.
 33. Shaikh, Adam. (2019, May) "Has Brexit Challenged Global Justice? The UK and the Responsibility to Protect," (*bfpj.co.uk*) Available at: <https://bfpj.co.uk/2019/05/event-summary-has-brexit-challenged-global-justice/> (Accessed 27 March 2019).
 34. Smout, Alistair. (2018, July) "From Churchill to Trump: Key Moments in the UK-U.S. Special Relationship," *Reuters*. Available at:

<https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-britain-moments/from-churchill-to-trump-key-moments-in-the-uk-u-s-special-relationship-idUSKBN1JW0IM>
(Accessed 23 March 2020).

35. United Nations General Assembly. (2009) *Ban Ki-moon Report: Implementing the Responsibility to Protect*. New York: United Nations.
36. Watts, Duncan; and Colin Pilkington. (2005) *Britain in the European Union Today*. Manchester: Manchester University Press.
37. Whitman, G. Richard. (2016) "Brexit or Bremain: What Future for the UK's European Diplomatic Strategy," *International Affairs* 92, 3: 509-529, <DOI/10.1111/1468-2346.12607 >



Research Paper

The Impact of Brexit on Three Key Principles in British Foreign Policy

Mohammad Reza Saeid Abadi^{1*}, Sam Mohammadpour²

¹ Associate Professor, European Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Iran

² A PhD Candidate in British Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Iran

Received: 12 April 2020, 14 March 2022

© University of Tehran

Abstract

The Britons' referendum of 23 June 2016, known as Brexit has led to the UK's withdrawal from the European Union (EU). Within the context of ontological security theory, Brexit can be seen as a campaign by British people and politicians who have never been willing to see their country which was once at the center of world politics, in an alliance with 27 different European countries. For Britons, the EU is a federation aimed at regional integration of sovereignty and foreign policy of the member states, and consequently it might limit the ability of British government to conduct an independent foreign policy. Half a century of British membership in the EU and its recent withdrawal have raised doubts about the Kingdom's post-Brexit foreign policy. The potential for changes in the three key principles of British foreign policy (i.e., the Anglo-American special relationship, responsibility to protect, and multilateralism) are at the top of the ambiguities in the post-Brexit British foreign policy. In the research hypothesis, it is argued that Brexit will have a positive impact on the US-British special relationship, but it will create a more limited space for the use of British economic and military capabilities based on the principle of protection responsibility, and it will lead Britain to upholding the principle of multilateralism by seeking alliances that unlike its membership in the EU will not undermine its institution of sovereignty and independent foreign policy.

In this paper, the authors use a descriptive-analytical approach and a multi-case study method to analyze the impact of Brexit on these three principles. By using this method, an attempt is made to examine these three key principles on a case-by-case basis and analyze the effect of Brexit on them separately. A key objective is to scrutinize the attitudes and preferred policies of the two British major parties (i.e., Conservative Party and Labour

* Corresponding Author Email: sabadi@ut.ac.ir

Party) concerning these principles and the expected impact of Brexit on them. For the theoretical framework of the present study, the theory of ontological security is selected. An important theoretical assumption is that the identity of a state is not necessarily formed only by an external factor, as an 'other'. Identity is also constructed through the development of autobiographical narratives that rely on a state's history and experience, which bring about the continuity of the state's existence and its perception of self-identity and its *raison d'être*. Through these narratives, the individuals in the state and society recognize who they are and how they should act in international politics.

In connection with the Anglo-American special relationship, concepts such as Anglo-Saxonism and Englishness have become powerful narratives that have historically strengthened British-American bonds. Regarding the responsibility to protect, the two main British parties, especially the Conservatives, fully endorse this principle. In this sense, one of the main narratives among British politicians has been the Kingdom's glorious past in defense of democratic values. They view their country as committed to promoting human freedoms, democracy, and anti-terrorism activities, which they call liberal interventionism. Furthermore, one of the characteristics of British foreign policy over the centuries has been the independence of its foreign policy. With the growing integration of the EU, the independence of British foreign policy as a dominant autobiographical narrative has been threatened. After the Britain's withdrawal from the EU, the British politicians need to establish an efficient multilateral system, to redefine the country's *raison d'être* and to create alternative narratives that justify their behaviour and actions, especially in the face of challenges from the emerging powers. Concerning these ontological issues, some scholars argue that the presence of a major power such as Britain in the EU as a tight alliance has been confronted with challenges from the beginning. In other words, it is far-fetched for a country like Britain, once at the top of the international power structure to merge its national sovereignty and foreign policy independence into a quasi-federation like the EU, and acquire no exceptional superiority over other members. However, the withdrawal from the EU in which Britain has been a key member state for half a century will undoubtedly change the main principles of British foreign policy (Anglo-American special relationship, responsibility to protect, and multilateralism). Our findings are summarized as follows:

After Brexit, the capacity to safeguard the special relationship will depend on Britain's willingness and ability to resolve US suspicions. In connection with the Britons' intentions to maintain and strengthen the special relationship, the two factors of mutual guarantee of the relationship and the approval and acceptance of a lesser role by Britain will be essential. However, the type and extent of bilateral assurances, particularly from the UK will help the Kingdom to reaffirm its commitment to US policies. Concerning the issue of British less significant role in the special relationship, it is clear that the US expects to play the dominant role and its policy of giving a secondary and subordinate role to Britain will be pursued more prominently in post-Brexit foreign policy. Regarding the responsibility

to protect, there are many concerns in post-Brexit Britain, and most of them are due to the fact that Britain will be in a weaker position, both economically and militarily. Therefore, many in Britain believe that intervention to fulfill their country's responsibilities, especially in the form of military intervention, even for humanitarian purposes, should be the last resort. Others believe that Britain will increasingly have to rely on its soft power capacities to fulfill its responsibility to support liberal interventionism. Finally, with regard to the third principle, it should be noted that due to its inability to pursue a unilateral foreign policy in the post-Brexit period, the UK is likely to continue to pursue the policy of multilateralism in its foreign policy, and to participate in coalitions that do not limit British national sovereignty and foreign policy independence, as shown in the case of NATO. The present study helps identify the challenges and opportunities that the phenomenon of Brexit has created for the key principles of British foreign policy and better evaluate its foreign policy behaviors in the post-Brexit period.

Keywords: Brexit, Anglo-American Special Relationship, Responsibility to Protect, Multilateralism, European Union

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-3950-7939>

References

- Azubuike, Samuel. (2005) "The Poodle Theory and the Anglo-American Special Relationship," *International Studies* 42, 2: 123-139, <DOI/10.1177/002088170404200202>.
- Bew, John; and Gabriel Elefteriu. (2016) "Making Sense of British Foreign Policy after Brexit," *Policy Exchange Think Tank*. PDF e-book. Available at: <https://policyexchange.org.uk/wp-content/uploads/2016/09/british-foreign-policy-after-brexit-policy-exchange-briefing-july-2016.pdf> (Accessed 11 March 2019).
- Blair, Tony. (2002, September) "Britain will Pay Blood Price," (*bbc.co.uk*). Available at: http://news.bbc.co.uk/1/hi/uk_politics/2239887.stm (Accessed 17 January 2020).
- . (May, 2009) *Doctrine of the International Community*. PDF e-book. Available at: <http://yalejournal.org/wp-content/uploads/2011/01/094201blair.pdf> (Accessed 11 March 2019).
- Bromund, R. Theodore. (2008) "British Defense Cuts Threaten the Anglo-American Special Relationship," *The Heritage Foundation*. PDF e-book. Available at: http://s3.amazonaws.com/thf_media/2008/pdf/bg2210.pdf (Accessed 17 January 2020).

- Cameron, David. (2006, September) "Conservative Party Leader's Speech on Foreign Policy and National Security," *Guardian*. Available at: <http://www.theguardian.com/politics/2006/sep/11/conservatives.speeches> (Accessed 11 March 2020).
- . (2009, October) "Leader's Speech: Conservative Party Conference," (*britishpoliticalspeech.org*). Available at: <http://www.britishpoliticalspeech.org/speech-archive.htm?speech=154> (Accessed 24 March 2020).
- Danchev, Alex. (2006) "The Cold War Special Relationship (Revisited)," *Diplomacy & Statecraft* 17, 3: 579-595, <DOI/ 10.1080/09592290600867651>.
- Danchev, Alex; and John MacMillan. (2005) *The Iraq War and Democratic Politics*. London: Routledge.
- Douglas, Alexander. (2015, March) "Labour won't let David Cameron turn the UK into Little Britain," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2015/mar/09/labour-david-cameron-britain-isolationist-foreign-policy> (Accessed 24 March 2020).
- Goodman, Helen. (2019, July) "FPC Briefing: in Defence of Multilateralism," (*fpc.org.uk*). Available at: <https://fpc.org.uk/fpc-briefing-in-defence-of-multilateralism/> (Accessed 24 March 2020).
- Hackmann, Rolf. (2005) *Globalization: Myth, Miracle, Mirage*. Lanham: University Press of America.
- Hardy, Sam; and James Denselow. (2011) *The Future of Labour's Foreign Policy*, London: Progress.
- Harrois, Thibaud. (2015) "Little Britain? The Debate on Britain's Foreign and Defence Policy," *French Journal of British Studies* 20, 3: 1-17, <DOI:10.4000/rfcb.580>.
- Harvey, Michael. (2011) *Perspectives on UK's Place in the World*. London: Chatham House, PDF e-book. Available at: http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/Europe/1211pp_harvey.pdf (Accessed 17 January 2020).
- International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS). (2001, December) *Responsibility to Protect: Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty*. Ottawa, CA: International Development Research Center. PDF e-book Available at: https://walterdorn.net/pdf/Responsibility-to-Protect_ICISS-Report_Dec2001.pdf (Accessed 24 March 2020).
- Jones, Peter. (1997) *America and the British Labour Party*. London: I.B Tauris.
- Kahler, Miles. (1992) "Multilateralism with Small and Large Numbers," *International Organization* 46, 3: 681-708, <DOI:10.1017/S0020818300027867>.
- Kant, Immanuel. (1795) *Perpetual Peace: A Philosophical Sketch*. Königsberg: F. Nicolovius.
- Kinnvall, Catarina. (2004) "Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity and the Search for Ontological Security," *Political Psychology* 25, 5: 741-767, <DOI/ 10.1111/j.1467-9221.2004.00396.x>.
- Kümmel, Gerhard; and Bastian Giegerich. (2013) *The Armed Forces: Towards a Post-interventionist Era?* Wiesbaden: Springer.
- Lequesne, Christian. (2019, March) "Brexit: Evolution or Revolution?" (*sciencespo.fr*). Available at: <https://www.sciencespo.fr/en/news/news/brexit-evolution-or-revolution/4015> (Accessed 26 March 2020).
- Lister, Sam. (2012, May) "£38 billion Defence Black Hole Filled," *Independent*. Available at: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/38-billion-defence-black-hole-filled-7746401.html>. (Accessed 24 March 2020).

- Mason, Rowena. (2014, May) "David Cameron: in-out Referendum on EU by 2017 is Cast-iron Pledge," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2014/may/11/david-cameron-european-union-referendum-pledge> (Accessed 28 March 2020).
- McGregor, Richard. (2013, August) "Cameron loses Commons Syria Vote," *Financial Times*. Available at: <https://www.ft.com/content/b16c699c-1096-11e3-b291-00144feabdc0> (Accessed 4 December 2019).
- Morris, Justin. (2011) "How Great is Britain? Power, Responsibility and Britain's Future Global Role," *British Journal of Politics and International Relations* 13, 3: 326-347, <DOI/ 10.1111/j.1467-856X.2011.00450.x>.
- Oliver, Tim; and John M. Williams. (2016) "Special Relationships in Flux: Brexit and the Future of the US-EU and US-UK Relationships," *International Affairs* 92, 3: 547-567, <DOI/10.1111/1468-2346.12606>.
- Oppermann, Kai. (2019) "Brexit and the Politics of Resilience in the U.S.-UK Special Relationship," in Gordon Friedrichs, et al., eds. *The Politics of Resilience and Transatlantic Order*. London: Routledge.
- Otte, G. Thomas. (2002) *The Makers of British Foreign Policy: From Pitt to Thatcher*. London: Palgrave.
- Peksen, Dursun. (2012) *Liberal Interventionism and Democracy Promotion*. Plymouth: Lexington Books.
- Rathmell, Andrew. (2009, October) "Multilateral Approaches to Security: Choices for Defence," *RUSI-Future Defence Review, Working Paper No. 3*. Available at: <https://www.rusi.org/downloads/assets/FDR3.pdf> (Accessed 2 May 2018).
- Reynolds, David. (1991) *Britannia Overruled: British Policy and World Power in the 20th Century*. London: Longman.
- Shaikh, Adam. (2019, May) "Has Brexit Challenged Global Justice? The UK and the Responsibility to Protect," (*bfpjg.co.uk*) Available at: <https://bfpjg.co.uk/2019/05/event-summary-has-brexit-challenged-global-justice/> (Accessed 27 March 2019).
- Smout, Alistair. (2018, July) "From Churchill to Trump: Key Moments in the UK-U.S. Special Relationship," *Reuters*. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-britain-moments/from-churchill-to-trump-key-moments-in-the-uk-u-s-special-relationship-idUSKBN1JW0IM> (Accessed 23 March 2020).
- United Nations General Assembly. (2009) *Ban Ki-moon Report: Implementing the Responsibility to Protect*. New York: United Nations.
- Watts, Duncan; and Colin Pilkington. (2005) *Britain in the European Union Today*. Manchester: Manchester University Press.
- Whitman, G. Richard. (2016) "Brexit or Bremain: What Future for the UK's European Diplomatic Strategy," *International Affairs* 92, 3: 509-529, <DOI/10.1111/1468-2346.12607 >.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.